

## تأثیر عملیات انتحاری جریان سلفی - تکفیری بر پدیده اسلام‌هراسی

مجتبی بدخشان<sup>۱</sup>

حمیدرضا شیرزاد<sup>۲</sup>

محمد داوند<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** پدیده اسلام‌هراسی با توجه به بسترهای تاریخی، از دهه ۱۹۹۰ در غرب تشدید شده است. این پدیده، با ارائه تصویری جهت‌دار و منفی از اسلام و مسلمانان، توانسته است در میان مخاطبان خود تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر جریان‌های سلفی-تکفیری با قرائت خاص خود از دین، به‌عنوان گروهی از مسلمانان، اقدام به تصویرسازی نسبت به اسلام و سایر گروه‌های اسلامی کرده و اقدام به انجام اعمالی همچون عملیات انتحاری در راستای نفی دیگران و دستیابی به اهداف خود نموده‌اند. حال، این مسئله مطرح می‌شود که عملیات تروریسم تکفیری چه تأثیری بر پدیده اسلام‌هراسی دارد؟

**روش:** روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی و تبیینی است و ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و آماری است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** با توجه به اینکه پدیده اسلام‌هراسی با دارا بودن دو وجه سلبی و ایجابی، توانسته بر شکل‌گیری دیدگاه‌های منفی نسبت به مسلمانان و اسلام در غرب تأثیرگذار باشد؛ فرضیه این پژوهش آن است که عملیات انتحاری جریان‌های سلفی-تکفیری در وجه ایجابی بر پدیده اسلام‌هراسی تأثیرگذار است. بر این اساس، عملیات انتحاری جریان‌های سلفی تکفیری با نظر به سه عامل جغرافیای وقوع، شکل و روش حملات و رسانه بر پدیده اسلام‌هراسی در وجه ایجابی آن مؤثر واقع شده‌اند که در این میان رسانه به دلیل ماهیت کارکردی خود، نقش پررنگ‌تری را ایفا می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** عملیات انتحاری، گروه‌های سلفی-تکفیری، اسلام‌هراسی، رسانه.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول) M.badakhshan@shahed.ac.ir

۲. دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان hamid Shirzad97@yahoo.com

۳. دکتری روابط بین الملل دانشگاه تربیت مدرس تهران Davand@modares.ac.ir

## مقدمه

در عصر حاضر جریان‌ها و پدیده‌های فکری گوناگونی در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، فرهنگی و دینی شکل گرفته‌اند که به شکل مؤثر بر هم تأثیرگذار بوده و موجب بازتولید محتوایی و عملی یکدیگر شده‌اند. جریان سلفی - تکفیری به‌عنوان یک جریان دینی و سیاسی در بازتولید نظام فکری خاص خود از یک سو باعث ایجاد رعب و وحشت در مناطق مختلف جغرافیایی شده و از سوی دیگر با تأثیر بر حوزه‌ها و پدیده‌های دیگری همچون اسلام‌هراسی موجب شکل‌گیری و تقویت گرایش‌ها و اندیشه‌های خاص شده است. جریان سلفی - تکفیری در نتیجه نظام فکری خاص خود، با تکفیر گروه‌ها و اندیشه‌های مخالف، در قالب جهاد ابتدایی، اقدام به حملات علیه مخالفان خود می‌کند. در این قالب فکری، گروه‌های سلفی - تکفیری با تعریف عملیات انتحاری ذیل اندیشه جهاد و دادن صبغه دینی به آن، تلاش دارد با ایجاد رعب و وحشت در جریان‌های مخالف، بر آنها اثر گذارد و مجبور به تمکین از اندیشه خود کند. حمله‌های انتحاری در کشورها و شهرهای اسلامی همچون بغداد، استانبول، کابل، دمشق و ... نمونه‌ای از تلاش‌های این گروه‌ها در راستای دستیابی به اهداف خود بوده است.

گستره وقوع حملات انتحاری و سیاست‌های تهاجمی این جریان‌ها که افزون بر مناطق و کشورهای اسلامی شامل جوامع غربی و مسیحی نیز شده، موجب شکل‌گیری و تشدید پدیده نوین اسلام‌هراسی در غرب شده است. تحت تأثیر این اقدامات، موج جدید اسلام‌هراسی که پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در جهان غرب شکل گرفته بود، تشدید شده است. وقوع حملاتی همچون حملات انتحاری به برج‌های تجارت جهانی ۲۰۰۱، متروی لندن ۲۰۰۵، بروکسل ۲۰۱۶ و غیره، موجب گسترش دیدگاه‌های ضداسلامی و اسلام‌هراسی در غرب شده است. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش سازمان یافته است که عملیات انتحاری جریان سلفی - تکفیری چه تأثیری بر پدیده اسلام‌هراسی دارد؟ بر این اساس پژوهش حاضر به دنبال نشان دادن تأثیر تروریسم انتحاری به‌عنوان شیوه جدید بر بازتولید و تشدید پدیده اسلام‌هراسی در غرب است. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و تبیینی است و ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و آماری است.

## مبانی نظری

## مبانی عملیات انتحاری در فرهنگ سلفی-تکفیری

«سلفی» عنوان گروهی از جریان‌های اسلامی اهل سنت است که خواهان بازگشت به شیوه «سلف صالح» هستند. آنان در اندیشه بازگرداندن جامعه اسلامی به عظمت پیشین خود، شیوه سلف را به عنوان اسلام ناب معرفی می‌کنند (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۵). تا بدین طریق مسلمانان را از بدعت‌ها و خرافات متأخران تحذیر کنند و اعتقادات را به صورت اصیل و خالص دریافت نمایند (جعفری و بهرامی خوشکار، ۱۳۹۳: ۲۹). این جریان‌ها، به منظور پیرایش دین از بدعت‌ها، اعتقاد دارند که عملکرد صحابه را باید به عنوان منبع شرع پذیرفت.

به لحاظ اعتقادی، جریان سلفی متأثر از اندیشه‌های احمد بن حنبل و ابن تیمیه است. با وجود آنکه احمد بن حنبل به عنوان پیشوای سنتی این جریان شناخته می‌شود (غفاری هشیجین و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۱) اما ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب با ارائه تفاسیری جدید، این جریان افراطی را احیا و بازتعریف کردند. جریان سلفی تحت تأثیر فعالیت‌های حسن البناء و جنبش اخوان المسلمین توانست در مصر بر اندیشه‌های اهل سنت به شدت اثر بگذارد و محدوده اندیشه‌های سلفی-تکفیری را از سرزمین حجاز فراتر ببرد. اسلام‌گرایان سلفی، کاربرد عقل را فقط در راستای فهم مدلولات ظاهری آیات و روایات می‌دانند (عارفی، ۱۳۷۸: ۲۱۲-۲۰۵) و نقش عقل را در بررسی شرایط جدید زمانی و مکانی نفی می‌کنند. همین نگاه موجب شده است تا جریان‌های سلفی رویکرد عقل‌گرایانه شیعه را تحریف دین بدانند.

## نظام فکری سلفی-تکفیری

به طور کلی جریان‌های اسلام‌گرای سلفی به سه دسته سنتی، اصلاحی و جهادی (تکفیری) تقسیم می‌شوند (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵-۹۴). به باور بسیاری، اندیشه‌های سید قطب و ابوالاعلی مودودی ریشه شکل‌گیری نظام فکری و گفتمانی سلفی جهادی بوده است. به باور سید قطب، جوامع فعلی را می‌توان به دو گونه اسلامی و جاهلی تقسیم کرد که در این

تقسیم‌بندی حد میانه را نمی‌توان قائل شد. در این چارچوب، وی معتقد بود که ضعف و زوال اصول دینی در یک جامعه، موجب تبدیل شدن آن به جامعه‌ای جاهلی شده که آن را مستحق جنگ می‌سازد (ترنس، ۲۰۱۴: ۲۳).

در قالب گفتمان سلفی - تکفیری، تنها پیروان این جریان مسلمان حقیقی شناخته می‌شوند و خود را سمبل اسلام راستین معرفی می‌کنند. تحت تأثیر این نگاه، پیروان این جریان، سایر مسلمانان را کافر و مشرک معرفی و در نتیجه تکفیر می‌کنند و تلاش در راستای حذف رقیب را بر خود واجب می‌شمارند (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷ و حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۳: ۷۵). از این جهت کشتن مخالفان (مسلمان یا غیرمسلمان) حتی به قیمت از دست دادن جان خود را نیز امری مقدس تعریف می‌کنند. این نوع تفکر موجب شکل‌گیری تضاد عمیق فکری - عقیدتی در جامعه اسلامی از یک سو و از سوی دیگر شکل‌گیری بحران‌های امنیتی در نقاط مختلف جهان اسلام شده است.

### جهاد در جریان سلفی - تکفیری و عملیات انتحاری

در مکتب سلفی جهادی (تکفیری)، جهاد و مبارزه با کفار دارای جایگاه ویژه‌ای است. این جریان‌ها، جهاد را در قالب جهاد ابتدایی و به سبب دعوت به اسلام و گسترش آن تعریف می‌کند و ابزاری برای تحقق خلافت میداند. بر این اساس، جهاد با مفاهیمی همچون قیام، اقامه دولت اسلامی، دارالاسلام و دارالحرب پیوند نزدیکی می‌یابد. سلفی‌های تکفیری، انجام هر کاری را که در راستای مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌کنند (غفاری هاشجین و علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۰). آنان حتی به منظور کشتن دشمنان خدا، تروریسم و عملیات انتحاری را نیز مجاز می‌شمارند (عباسزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۵) و به آن به‌عنوان ابزاری مقدس در راستای نیل به اهداف خود می‌نگرند. جهاد در دیدگاه سلفی - تکفیری از لحاظ اهمیت در ردیف اصول اولیه دین قرار دارد و این افراد بر این باورند که جهاد، جنگ و قتل دشمنان خدا امری لازم و ضروری است (مرادی، ۱۳۹۴: ۲).

1. Terrence.

ازلحاظ سیاسی و مسائل نظامی، عملیات انتحاری به معنای آن است که شخصی به منظور دستیابی به هدفی خاص، خود و دیگران و یا اهداف مادی و معنوی خاصی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، عملیات انتحاری به اقدام به کشتن دیگران هم‌زمان با قتل خویش تعریف می‌شود (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و طی آن فرد از خود به عنوان ابزاری در راستای قتل و کشتن دیگران استفاده می‌کند. در این قالب معنایی، فرد هدف را بالاتر از حق حیات خود دانسته و حق حیات خود و دیگران را فدای دستیابی به آن هدف می‌کند. بدین ترتیب تلاش می‌شود با انجام این عمل به اهداف مختلفی همچون وادار کردن مخالفان به ترک آیین و تبلیغات مذهبی، مجبور ساختن پیروان دیگر ادیان یا فرقه‌ها به پذیرش آیین عاملان انتحاری دست پیدا کنند (حاجی یوسفی و عارف نژاد، ۱۳۹۳: ۸۶).

این در حالی است که بر اساس تعالیم دین اسلام و سایر ادیان الهی همچون مسیحیت و یهودیت، انجام عمل خودکشی، گناهی نابخشودنی به‌شمار می‌آید. با این وجود تکفیری‌ها، خودکشی به منظور کشتن دشمنان خدا را شهادت تلقی می‌کنند. از این منظر به خیال آنان، افرادی که دست به عملیات انتحاری می‌زنند شهید محسوب شده و مستقیم وارد بهشت می‌شوند (غفاری هاشجین و علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۰۴). افرادی که تحت تأثیر این اندیشه‌ها قرار دارند بر این باورند که به منظور مقابله با اشغالگری، امپریالیسم بین‌المللی و صهیونیسم، عملیات انتحاری بهترین راه بوده و مورد ضایت امت اسلامی است و این امر موجب تقویت قدرت اسلام می‌شود (مقدم، ۲۰۱۱: ۳۳-۳۵).

### عملیات شهادت طلبانه و وجوه تفاوت آن با عملیات انتحاری

گروه‌های سلفی - تکفیری با تعریف و به‌کارگیری عملیات انتحاری به عنوان عملیات «شهادت طلبانه»، تلاش دارند تا مشروعیت لازم دینی را برای انجام این عمل به دست آورند. این در حالی است که عملیات شهادت طلبانه عملی آگاهانه در راه خدمت به دین و دفاع از آن (پورفرد، ۱۳۸۶: ۲۴-۱۴) است و به لحاظ محتوایی با طلب مرگ مبتنی بر تعصبات و اعتقادات

1. Moghadam.

جزم اندیشانه گروه‌های تکفیری تفاوت‌های اساسی دارد.

عملیات شهادت‌طلبانه با وجود آنکه به لحاظ اهداف راهبردی و منطقی دارای وجوه اشتراکی با عملیات انتحاری جریان‌های سلفی- تکفیری است اما دارای مبانی و منبع فکری و فقهی متفاوتی است. بر این اساس عملیات شهادت‌طلبانه کاملاً دارای ویژگی دفاعی بوده و در ذیل باب مباحث جهاد و جهاد دفاعی تعریف می‌شود.

بر اساس اندیشه فقیهان و اندیشمندان اسلامی، جهاد به دو نوع «ابتدایی» و «دفاعی» تقسیم می‌شود. در فقه شیعه و برخلاف نظر علمای اهل سنت، جهاد ابتدایی مشروط به امر امام معصوم است و در نتیجه به دلیل عدم حضور امام معصوم، باب جهاد ابتدایی در عصر حاضر بسته، و جهاد ابتدایی و خصومت نسبت به غیرمسلمانان به‌رغم وجود تفاوت‌های عقیدتی و دینی، و به دلیل عدم وجود وضعیت جنگی و تهاجمی آنان نسبت به مسلمانان، تعطیل است (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). در این قالب محتوایی و فقهی، و تعریف عملیات شهادت‌طلبانه در ذیل جهاد دفاعی می‌توان گفت که عملیات شهادت‌طلبانه، روشی است که به منظور دفاع و مقاومت در برابر دشمن مهاجم مورد استفاده قرار می‌گیرد و با توجه به بهره‌گیری از ابزارها و محیط جنگی، عامل این عملیات یقین و یا ظن غالب نسبت به شهادت خود در طی عملیات است (ملا محمدعلی، ۱۳۸۴: ۷۳). این‌گونه عملیات صرفاً علیه دشمن متجاوز و اشغالگر بوده و به‌عنوان عملی جهادی و روشی دفاعی برای آسیب رساندن به متجاوزان و اشغالگران خارجی و دفاع از دین و سرزمین‌های اسلامی و ناموس خود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نتیجه اگر عملیاتی دارای ملاک جهاد دفاعی و در راستای دفاع از اسلام و مسلمانان و همچنین دفع تجاوز از سرزمین‌های اسلامی و علیه اشغالگران و متجاوزان نباشد و علیه انسان‌های بیگناه و غیرنظامی که در امر تجاوز و اشغالگری نقشی ندارند صورت پذیرد، آن عملیات، انتحاری دانسته می‌شود که از نظر اسلام غیرقابل قبول و حرام است.



### مفاهیم و مبانی پدیده اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی پدیده‌های است که از دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نظام دوقطبی، توسط غرب و آمریکا در راستای پر کردن خلأ ناشی از نبود دشمن و مسائل بنیادین هویتی، شکل گرفت (سجادپور، ۱۳۸۹: ۲۶) که در نتیجه آن، مسلمانان و اسلام به‌عنوان دشمنان اصلی غرب و مبانی اندیشه غربی معرفی شدند. این پدیده با وقوع حملات انتحاری (تروریستی) در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پیامدهای حاصل از آن تقویت شد و ضدیت با اسلام در غرب افزایش پیدا کرد. وقوع این حادثه و حوادث مشابهی همچون بمب‌گذاری مرکز ایستگاه قطار مادرید (۲۰۰۴) و انفجار در ایستگاه متروی لندن (۲۰۰۵) که به مسلمانان نسبت داده شد، منجر به شدت گرفتن تبلیغات گروه‌ها و جریان‌های ضداسلامی در غرب شد و اسلام به‌عنوان دین خشونت، قتل و حامی تروریسم در رسانه‌ها و محافل فکری غرب معرفی شد.

اسلام‌ستیزی با هدف قرار دادن اسلام و معرفی آن به‌عنوان مشکل اصلی جهان و دین افراط‌گرایی، توانسته است امروزه حضوری جدی و اثرگذار در جوامع غربی و حتی رسانه‌های مؤثر بر افکار جهانی پیدا کند (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۷). رسانه‌های غربی به‌منظور توصیف مسلمانان از واژه‌هایی نظیر: بنیادگرا، تروریست، خشونت‌طلب و بیرحم در قالب‌های کلامی و غیرکلامی در محصولات رسانه‌ای و فیلم‌های سینمایی استفاده می‌کنند (شرف‌الدین و گنجیانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۰۶) و این‌گونه به مخاطبان خود القا می‌کنند که تمام اعمال خشونت‌آمیز، غیرانسانی، تروریستی و اخلاک‌گری در نظم جهانی به‌طورکلی از مسلمانان سرچشمه می‌گیرد و مبانی این کنش مسلمانان نیز ریشه در آموزه‌های مذهبی آنان دارد.

### معناشناسی پدیده «اسلام‌هراسی»

در تعریف عام از اسلام‌هراسی، مسلمانان به‌عنوان کسانی شناخته می‌شوند که با ارزش‌های غربی در تقابل بوده و به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌ها و انسجام ملی به‌شمار می‌روند (فردمن<sup>۱</sup>،

1. Fredman.

۱۹۹۲: ۱۲۱). مؤسسه رانیمیدتراست<sup>۱</sup> در انگلستان نخستین نهادی بود که در قالب گزارش خود با نام «اسلام‌هراسی: چالشی برای همه ما» واژه اسلام‌هراسی را تعریف کرد. این مؤسسه، اسلام‌هراسی را به‌عنوان ترس بی‌مورد نسبت به مسلمانان که منجر به دفع و همچنین تبعیض در قبال آنها می‌شود تعریف کرد (مرشدیزاد و غفاری هشتجین، ۱۳۸۶: ۱۱۴). از دیدگاه برخی، اسلام دارای هیچ ارزش مشترکی با سایر فرهنگ‌ها نیست و نسبت به فرهنگ غربی در جایگاه پایین‌تری قرار دارد و یک ایدئولوژی سیاسی خشونت‌آمیز است که دشمنی با آن امری عادی تلقی می‌شود (درخشه و حسینیفائق، ۱۳۸۸: ۱۱).

مفهوم اسلام‌هراسی به‌عنوان پدیده‌های ترکیبی، در قالب تصورات ذهنی نسبت به اسلام قابل تعریف است به‌گونه‌ای که مخاطب در مقابل طرح، استقرار و یا توسعه نظام اسلامی در حوزه‌های خاص، از خود واکنش منفی نشان می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۱). این وضعیت موجب شکل‌گیری دیدگاه منفی نسبت به مسلمانان و به وجود آمدن وضعیتی تقابلی نسبت به آنان می‌شود که نمود این وضعیت در تبعیض علیه مسلمانان قابل مشاهده است.<sup>۲</sup>

در واقع اسلام‌هراسی به‌عنوان پدیده‌های ترکیبی و چندوجهی دربردارنده ابعاد مختلفی است. در یک وجه آن ابعاد فرهنگی و دینی مطرح می‌شود که در این قالب به اعتقادات و رفتار مسلمانان از نگاه دیگران توجه ویژه‌ای شده و به‌وسیله بُعد روانی (ترس) تقویت می‌شود (سجادپور، ۱۳۸۹: ۲۶). در حقیقت بُعد هراس‌آمیز، نگاه به مسلمانان است که به «اسلام‌هراسی» پیوند خورده است. این ترس با انتقال به نگاه‌های استراتژیک و امنیتی وارد عرصه مناسبات و تعاملات سیاسی شده که در نتیجه، اسلام‌هراسی را به پدیده‌ای پیچیده و ترکیبی تبدیل کرده است.

### مبانی پدیده «اسلام‌هراسی»

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، وضعیتی را در غرب به وجود آورد که نیاز به بازتعریف هویت خویشتن و ارائه تصویری از غیر در میان مجامع فکری و سیاسی آنها به

1. Runnymedetrust.

2. Gallup: Islamophobia: Understanding Anti-Muslim Sentiment in the West.





شدت احساس شد. در نتیجه این وضعیت، دیدگاه‌ها و تئوری‌های متفاوتی مطرح و در راستای سازگاری با شرایط جدید مورد استفاده قرار گرفت. هائینگتون معتقد است که این تحولات در اثر انسجام سیاسی و اقتصادی در درون گروه‌های تمدنی و تنش میان گروه‌های فرهنگی - تمدنی متفاوت شکل آشکار به خود می‌گیرد و تفاوت به واسطه مجاورت، تشدید و منجر به ستیز میان آنها می‌شود (اهینگن و فرای، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

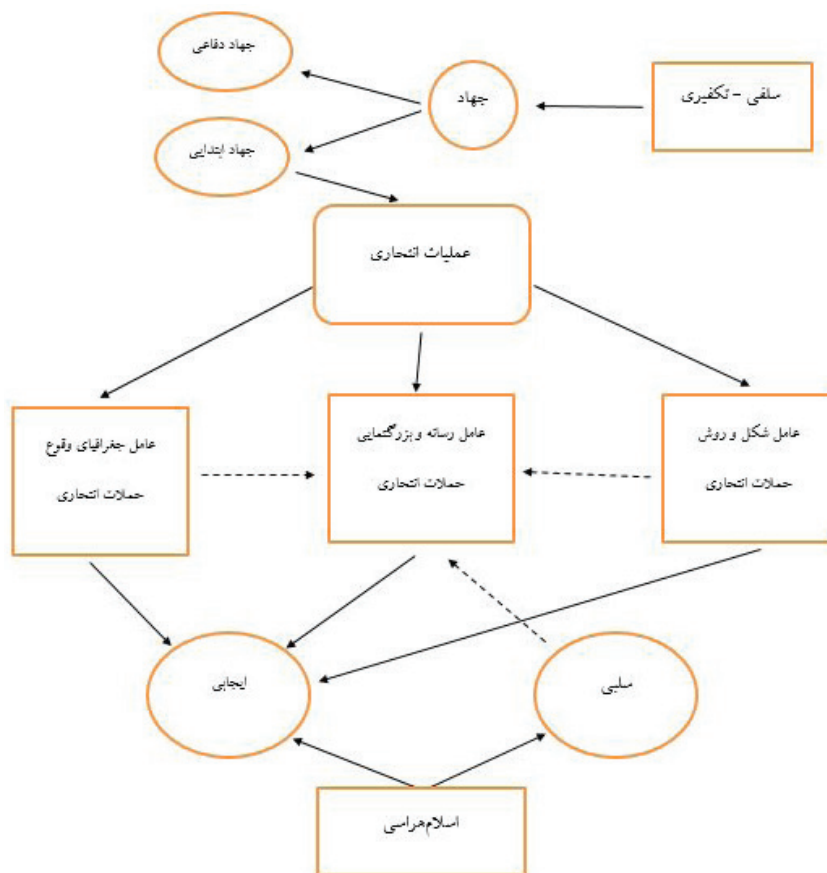
در نتیجه نیاز به «غیریت‌سازی»، غرب و آمریکا پس از فروپاشی شوروی، اسلام سیاسی را جایگزین تهدید کمونیست معرفی کردند تا به این طریق خلأ موجود در عرصه سیاست خارجی خود را پوشش دهند (عامری گلستانی و قادری، ۱۳۹۱: ۱۳۹) و در این قالب گفتمان و پدیده اسلام‌هراسی به اوج خود رسید. در راستای این غیرت‌سازی، زمینه‌های تاریخی رقابت میان مسلمانان و مسیحیان و همچنین افزایش جمعیت مسلمانان اروپا و آمریکا در دوره جدید مورد بهره‌برداری قرار گرفت (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۱۶-۱۱۱). این وضعیت در نتیجه شکل‌گیری موج بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان، تشدید شد و به شکل ابزاری مناسب برای توجیه اهداف سیاسی دولتمردان غربی همچون آمریکا در آمد. این در حالی بود که اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های تروریستی همانند القاعده و داعش که جنایات خود را به نام اسلام انجام میدادند موجب گسترش نفرت و کینه نسبت به مسلمانان در غرب شده است که از سوی جریان‌های فرصت‌طلب، مورد بهره‌برداری در جهت نشان دادن چهره خشونت طلب از اسلام قرار گرفت. در همین چارچوب حتی اقدامات گروه‌ها و مردم مسلمان در کشورهایی همچون فلسطین و عراق، بدون در نظر گرفتن حق مسلمانان در دفاع از سرزمین خود جهت مقابله با نیروهای خارجی و اشغالگر، به عنوان جنایات مسلمانان در افکار عمومی جهان تبلیغ می‌شود.

به‌طور کلی اسلام‌هراسی دارای دو جنبه سلبی (بیرونی) و ایجابی (درونی) است به گونه‌ای که موجب شکل‌گیری تصور ذهنی نسبت به اسلام در مخاطب خود می‌شود که در مقابل هرگونه طرح، استقرار و یا توسعه نظام اسلامی در حوزه‌های خاص (فرو ملی، ملی و فراملی) از خود واکنش منفی نشان می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۱). عامل موفقیت نسبی اسلام‌هراسی سلبی، شکل‌گیری

گونه ایجابی آن در گستره جهان اسلام است که زمینه لازم را به به وسیله مستندسازی دعوی خویش علیه اسلام ارائه کرده است. مجموع برداشتها، تصمیمها و نوع رفتار مسلمانان در قالب افراط گرایی، تأیید و تجویز خشونت در وجه اسلام‌هراسی ایجابی، موجب تقویت اسلام‌هراسی می‌شود به گونه‌ای که از یکسو منابع اسلام‌هراسی را فعال و تقویت می‌کند و از سوی دیگر شواهد و مستندات موردنیاز برای گروه‌ها و جریان‌های اسلام‌هراسی را فراهم می‌سازد.

## مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش کوشش می‌شود که ارتباط و تأثیر عملیات گروه‌های سلفی-تکفیری بر پدیده اسلام‌هراسی مورد مطالعه قرار گیرد. در ادامه، مدل مفهومی پژوهش قابل مشاهده است.



## سنخ‌شناسی عملیات انتحاری سلفی-تکفیری

حملات انتحاری، در قالب گروه‌های اسلامی-سلفی و یا غیراسلامی که در نتیجه آن عامل حمله خود را در راه انجام هدف و مأموریت خویش قربانی می‌کنند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ به شدت افزایش پیدا کرده است (سانتیفورف جوردن<sup>۱</sup> و ساندر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳: ۳). در حملات انتحاری و تروریستی فرد و یا گروه‌های خاص تلاش می‌کنند به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا اجتماعی، از طریق ارباب، در مخاطبینی فراتر از قربانیان فوری حمله از خشونت بهره ببرند؛ چراکه حملات انتحاری افزون بر آسیب‌های روانی بر مردم، دولت‌ها را نیز در راستای تأمین خواسته‌های آنها به شدت تحت فشار قرار می‌دهد.

به نوعی می‌توان گفت حملات انتحاری به عنوان یک تاکتیک، توسط گروه‌های سلفی-تکفیری و سایر گروه‌های تروریستی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا با نابود کردن اهداف نظامی و غیرنظامی و همچنین اشخاص مخالف، منافع و اهداف خاص خود را تأمین نمایند (برمن<sup>۳</sup> و دلایتین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵: ۵). به عنوان مثال، القاعده در قالب یک حرکت خشونت‌آمیز، تلاش می‌کند با سرنگون کردن حکومت‌های کشورهای اسلامی (عربستان، عراق، سوریه و ...) و آسیب رساندن به حامیان آنها، به اهداف خود دست پیدا کند. حملات انتحاری نیز که در کشورهایی همچون انگلستان، اسپانیا، آمریکا و کنیا توسط القاعده صورت گرفته است با هدف جلب حمایت و جذب نیروهای بنیادگرای اسلامی (سلفی) قابل تحلیل هستند. حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا نیز با هدف ارسال پیام هشدار به دولت آن کشور، برای قطع حمایت از حکومت عربستان صورت گرفت.

رابرت پایپ<sup>۵</sup> معتقد است که بر اساس منطق راهبردی، تروریسم انتحاری و حملاتی که تحت شرایط مشابه سازماندهی می‌شوند، می‌توانند دولت‌ها را مجبور به تغییر سیاست‌های خود کنند

1. Santifort-jordan.
2. Sander.
3. Berman.
4. D.laitin.
5. Robert Pape.

(برمن و د. لایتین، ۲۰۰۵: ۹). در همین قالب فکری است که گروه‌های سلفی-تکفیری از این تاکتیک در زمانی که نسبت به شرایط موجود احساس ضعف می‌کنند، بهره بیشتری می‌برند. هابرماس<sup>۱</sup> نیز بر این اعتقاد است که ترور و حملات تروریستی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به اوج خود رسید، دارای ویژگی‌های آنارشیستی ناشی از ناتوانی عامل عمل‌کننده است و علیه دشمنانی به‌کار برده می‌شود که در مفهوم واقع‌گرایانه تصور پیروزی بر آن غیرممکن دانسته می‌شود. در نتیجه، تنها اقدام مؤثر علیه چنین دشمنی ایجاد شوک و اعلام زنگ خطر در دولت و مردم آن دانسته می‌شود (افتخاری راد و فتورهچی، ۱۳۸۹: ۳۹). این امر از این لحاظ دارای اهمیت است که جوامع پیچیده و به‌هم‌پیوسته امروزی، در برابر اختلال و حوادث شکننده و آسیب‌پذیر هستند و پیامدهای تخریبی گسترده‌ای در پی دارد.

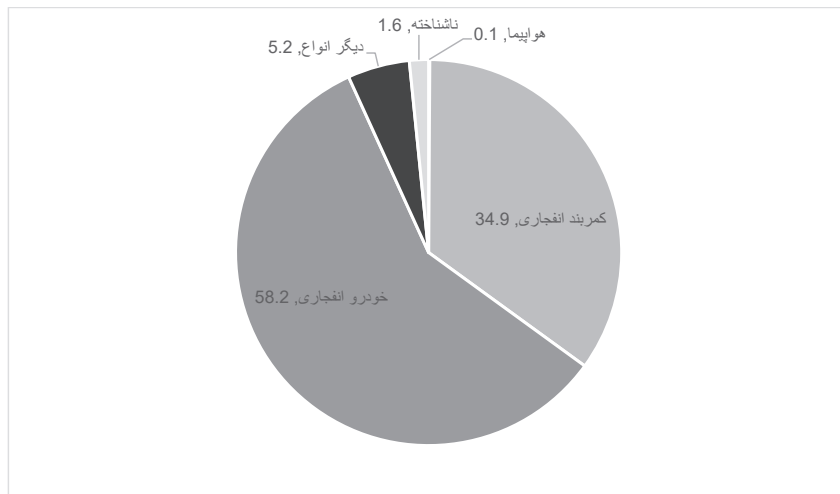
به‌طور کلی حملات انتحاری را می‌توان به دو دسته هدفمند و غیرهدفمند تقسیم کرد. بر این مبنا حملات انتحاری هدفمند به حملاتی گفته می‌شود که در چارچوب آن گروه تکفیری تلاش دارد اهداف و محل‌های خاص (نظامی و سیاسی) هدف حمله قرار داده و یا دولتی را مجبور به تغییر سیاست‌های خود مطابق برنامه‌های آنها نماید. حملات انتحاری غیرهدفمند صرفاً در راستای اعلام موجودیت و گسترش ترس و انتقال پیام خاص مورد بهره‌برداری گروه‌های تروریستی مانند گروه سلفی-تکفیری قرار می‌گیرد. حملاتی که به‌طور معمول، اهداف غیرنظامی را مورد حمله قرار می‌دهند در این دسته جای می‌گیرند.

بر این اساس حملات نیروهای انتحاری داعش در میدان‌های جنگ و علیه اهداف نظامی در دسته اول و حملات نوامبر ۲۰۱۵ پاریس توسط داعش و حملات انتحاری ژوئیه ۲۰۰۵ القاعده به مترو لندن در دسته دوم جای می‌گیرند.

گروه‌های سلفی-تکفیری در قالب عملیات انتحاری از ابزارهای گوناگونی بهره می‌گیرند. با توجه به اینکه در قالب این گونه حملات عامل انتحاری جان خود را از دست می‌دهد، به‌طور معمول تلاش می‌شود از کارآمدترین ابزارها برای به حداکثر رساندن تلفات طرف مقابل بهره گرفته

1. Jürgen Habermas.

شود. از جمله این ابزارها می‌توان به خودروی انتحاری، کمربند انفجاری، سلاح سبک، سلاح سرد و غیره اشاره کرد (نمودار ۱).



نمودار ۱: آمار حمله با سلاح توسط گروه‌های سلفی - تکفیری در خاورمیانه، اروپا و آمریکا (۲۰۱۶-۱۹۸۲)

### تأثیر عملیات انتحاری جریان سلفی - تکفیری بر پدیده اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی پیش از وقوع حملات انتحاری-تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، در غرب وجود داشته است اما بر اساس پژوهش‌های سال‌های اخیر مشخص شده که در اثر این حادثه و سلسله‌حملات مشابه در غرب و سایر نقاط جهان، به‌شدت در طول سال‌های پس‌از آن، افزایش یافته است. به‌طور مثال بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته در دو بازه زمانی ۱۹۹۷ و ۲۰۰۴ نشان دادند که جامعه غربی تحت تأثیر حملات انتحاری (تروریستی) و جو اسلام‌هراسی، به‌شدت نسبت به مسلمانان بدبین شده است (گالوپ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). با بررسی مبانی نظری پدیده اسلام‌هراسی از یک‌سو و مفهوم جهاد در گروه‌های سلفی-تکفیری از سوی دیگر، می‌توان گفت که جایگاه و تأثیر حملات انتحاری این گروه‌های تندرو، در بُعد سلبی پدیده اسلام‌هراسی قرار دارد.

1. Gallup.

در همین زمینه برای وجه تأثیرگذاری این حملات بر پدیده اسلام‌هراسی سه عامل مهم را می‌توان شناسایی کرد:

### عامل جغرافیایی وقوع عملیات انتحاری و تأثیر آن بر اسلام‌هراسی

در فرایند اثرگذاری حملات انتحاری بر پدیده اسلام‌هراسی عامل جغرافیا نقش مهمی در غرب ایفا می‌کند. بر اساس نظر ژاک دریدا<sup>۱</sup> برای اروپاییان، آمریکایی‌ها و رسانه‌ها و افکار عمومی غرب، موقعیت جغرافیایی وقوع حملات، بسیار اهمیت دارد. به‌لحاظ کمی، قتل‌عام‌ها و حوادث تروریستی چنانچه خارج از مرزهای جغرافیایی اروپا و یا آمریکا رخ دهند هرگز تأثیرگذاری و بازتاب گسترده‌ای مانند حوادث درون جغرافیای آنها نخواهد داشت (افتخاری راد و فتورهچی، ۱۳۸۹: ۶۵).

وقوع حملات انتحاری در محدوده کشورهای، به‌صورت معمول باعث ایجاد حس ناامنی و عدم اطمینان در اشخاص می‌شود. این امر در غرب به دلیل وجود دیدگاه به‌هم‌پیوستگی در میان کشورهای غربی به‌لحاظ فرهنگی و هویت غربی در برابر سایرین، نمود بیشتری دارد. همین امر باعث شده است که وقوع یک حمله و تهاجم در هرکدام از این کشورها، باعث سرایت حس ناامنی و تجاوز به ارزش‌ها در شهروندان سایر کشورهای غربی شود. نمود این وضعیت را می‌توان در وقوع حمله انتحاری ۱۱ سپتامبر مشاهده کرد. وقوع این حمله باعث شکل‌گیری نگاهی شد که بر اساس آن در رسانه‌های غربی و آمریکایی و فرهنگ عامه آنها، این تهاجم و عملیات را حمله‌ای به فرهنگ غربی به‌صورت عام و فرهنگ آمریکایی به‌صورت خاص تعریف کردند (آلتاید و بارانی، ۱۳۹۱: ۷). این تعریف با زمینه‌های گفتمانی و تاریخی از پیش موجود ترس از غیرها و تصویر تاریخی از «اعراب» به‌عنوان غیر (دیگری) که تهدیدی علیه امنیت ملی و افراد غربی شناخته می‌شوند، تشدید شد.

غالب بودن عامل جغرافیایی وقوع در نگاه غربی تا به آنجا اهمیت دارد که تا پیش از حملات ۱۱ سپتامبر، حوادث تروریستی در اولویت آنها قرار نداشت (یزدانی و ایزدی، ۱۳۸۶: ۷۷) و به حملات

۱. Jacques Derrida.



تروریستی و انتحاری سایر نقاط جهان به صورت سیاسی و راهبردی نگاه می‌شد. دولت‌های غربی گاه بر اساس اهداف و منافع خود اقدام به حمایت لجستیکی و تبلیغاتی از این گروه‌ها و عملیات آنها می‌کردند. البته ذکر این نکته لازم است که در دوره حاضر نیز این نگاه همچنان در میان بعضی از دولت‌های غربی حاکم است؛ نمونه این رویکرد را می‌توان در برخورد دولت آمریکا با گروه تروریستی داعش در سال‌های اخیر مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که این گروه تا زمانی که در راستای منافع آمریکا عمل می‌کرد توجه چندانی به اعمال تروریستی آن‌ها در منطقه و جهان نمی‌شد.

وقوع حملات انتحاری گروه‌های سلفی-تکفیری در جغرافیای اروپا و آمریکا، زمینه مساعدی را برای تقویت جریان‌ها و دیدگاه‌های ضداسلامی به وجود آورد. برخی از گروه‌های ضداسلامی پس از حملات انتحاری و تروریستی، اقدام به رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به مسلمانان و اماکن آنها کردند؛ به‌عنوان مثال پس از حملات ۲۰۰۵ لندن، این گروه‌ها با حمله به مساجد، مراکز اسلامی، آزار و اذیت مسلمانان و سردادن شعارهای تند و موهن ضداسلامی، نسبت به این حملات واکنش نشان دادند. همچنین می‌توان این وضعیت را پس از حملات پاریس ۲۰۱۵، برلین ۲۰۱۶ و ... نیز مشاهده کرد.

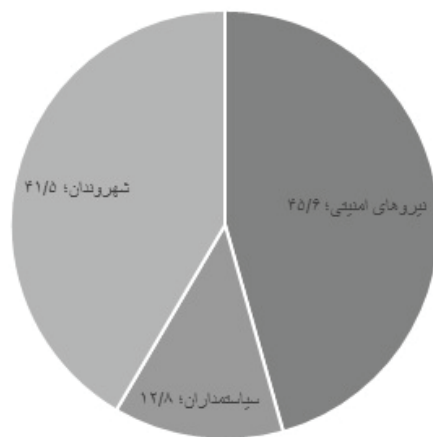
دولت‌های غربی تلاش کردند با تقویت گرایش‌ها و نگاه منفی به اسلام در سراسر غرب، نوعی برخورد سلبی با گسترش روزافزون اسلام در اروپا و آمریکا داشته باشند (افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۷). به‌عنوان مثال پس از ۱۱ سپتامبر، اسلام‌هراسی و گرایش‌های ضداسلامی در انگلستان شکل جدی‌تری به خود گرفت به طوری که دولت انگلستان اقدام به طرح و تصویب قوانین تروریسم در سال ۲۰۰۱ نمود. در نتیجه وضعیت به وجود آمده، دولت بریتانیا، نیروهای پلیس و سایر ارگان‌های دولتی این کشور با استناد به این قانون، مسلمانان این کشور را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار دادند. همچنین با وقوع حملات تروریستی سال ۲۰۰۵ لندن، متعاقباً با تصویب قانون جدیدی در سال ۲۰۰۶ این فشارها تشدید شد.

اثرگذاری این حملات در بُعد فردی نیز به شدت عمیق بود. به گونه‌ای که بر اساس نظر سنجی‌های

مختلفی که پس از حملات گوناگون انجام شد، میزان بدبینی نسبت به مسلمانان در جوامع غربی به شدت افزایش پیدا کرده است. به عنوان مثال بر اساس آمارسنجی مؤسسه گالوپ در سال ۲۰۱۰ و پس از وقوع حملات تروریستی (انتحاری) مختلف در غرب و آمریکا، از هر ۱۰ نفر آمریکایی، ۴ نفر معادل ۴۳ درصد آنها، نسبت به مسلمانان دارای دیدگاه منفی و متعصبانه‌ای بودند (گالوپ، ۲۰۱۰).

### عامل شکل و روش حملات انتحاری و تأثیر بر پدیده اسلام‌هراسی

گروه‌های سلفی-تکفیری بر اساس اندیشه‌های خود، تلاش دارند که از حملات انتحاری به عنوان تاکتیک در راستای اهداف خود بهره بگیرند. این گونه حملات که بیشتر به صورت غیرهدفمند است و صرفاً با هدف ارسال پیام و گسترش ترس در مخاطبان مورد استفاده قرار می‌گیرد غالباً با آمار تلفات بالای غیرنظامی همراه است (نمودار ۲).



نمودار ۲: آمار حملات انتحاری بر اساس تعداد کشته‌شدگان در خاورمیانه، اروپا و آمریکا (۲۰۱۶-۱۹۸۲)





نوع نگاه گروه‌های سلفی-تکفیری و شیوه وقوع حملات انتحاری آنها، باعث شده است تا بتوان بر اساس مؤلفه‌های تروریسم، آنها را در دسته گروه‌های تروریستی طبقه‌بندی کرد. بر اساس دیدگاه طارمی می‌توان برای تروریسم چهار مؤلفه خشونت و توسل به زور، ایجاد فشار، وحشت و ترس، تلاش برای دستیابی به هدف نامشروع، و اقدام غافلگیرانه، مخفیانه و ظالمانه را نام برد (طارمی، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۶).

گروه‌های سلفی-تکفیری می‌کوشند تا در قالب عملیات انتحاری با ایجاد جو ترس و وحشت در جوامع و کشورهای مختلف، از رهگذر ایجاد فشار بر دولت‌ها یا جوامع هدف به خواسته‌های خود دست یابند. خواسته‌هایی که به صورت معمول توسط جامعه و یا دولت‌ها، نامشروع تلقی می‌شوند. این خواسته‌ها در چارچوب گفتمان سلفی-تکفیری به معنای تکفیر سایر گروه‌های انسانی، اعم از مسلمان و غیرمسلمان تعریف می‌شوند. این حملات غالباً با هدف قرار دادن افراد غیرنظامی، باعث می‌شوند انسان‌های بی‌گناه و غیرنظامی مورد آسیب شدید قرار گیرند. این وضعیت افزون بر آنکه خود موجب شکل‌گیری موجی از نفرت در میان افراد جامعه هدف نسبت به عاملان ظاهری آن می‌شود، خود نیز فرصت و بستر مناسبی را برای رسانه‌ها در راستای شکلدهی به موج خبری و تحلیل بر اساس منافع و نگرش خاص-اسلام‌هراسی-فراهم می‌آورد.

### عامل رسانه و بزرگنمایی عملیات انتحاری و تأثیر آن بر پدیده اسلام‌هراسی

گروه‌های سلفی-تکفیری به منظور دستیابی به اهداف خود، می‌کوشند از ابزار خشونت و ترور، بیشترین بهره‌برداری را داشته باشند. در این راستا، آنها سعی دارند با ایجاد رعب و وحشت، طرف مقابل را مجبور به تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های خود در مرحله اول و سپس تغییر در نظام فکری نمایند. تکفیری‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق رسانه‌ها، پیام خود را به صورت گسترده به جهانیان و طرف مقابل منتقل و زمینه گسترش ترس و وحشت را تقویت نمایند. این در حالی است که رسانه‌ها نیز با توجه به نیازهای خود، همچون افزایش مخاطب و تولید و انتشار اخبار مهیج، به طور معمول از چنین اخباری استقبال می‌کنند (ره‌نورد، ۱۳۸۵: ۹۰۵).

به‌طور کلی تروریسم سعی دارد تا رسانه را به‌عنوان یکی از متحدین لازم، جذب جریان خبری

حملات و حرکت‌های تروریستی خود کند. تروریست‌ها، رسانه و ارتباطات را به‌عنوان سلاحی بالقوه برای رساندن پیام اقدامات و باورهای خویش به مخاطبان حداکثری، مورد توجه ویژه قرار می‌دهند (یونا، ۱۹۸۳: ۱۳۷-۱۳۵). شبکه‌های تروریستی با بهره‌گیری از رسانه‌ها می‌توانند علاوه بر تبلیغ عقاید و تلاش برای جذب نیروهای جدید (کامف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۴) با استفاده از نشان دادن سطح بالایی از خشونت، اقدام به گسترش ترس در میان مخالفان و جامعه هدف کنند. در همین قالب، می‌توان صدور پیام‌ها، ارسال ویدئو و تصاویر عاملان انتحاری و فرایند وقوع حملات را در رسانه‌ها مورد توجه قرار داد.

از سوی دیگر، پوشش خبری رسانه‌ها از وقایع تروریستی و حملات انتحاری، خود به‌صورت محرکی برای تولید و گسترش رفتار خشونت‌آمیز تبدیل شده است. بر این اساس، رسانه‌ها نقش بسزایی در گسترش اهداف تروریست‌ها دارند چراکه پخش اخبار این وقایع موجب بزرگنمایی و گسترش ترس در ذهن و افکار عمومی می‌شود (بیوتل<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱: ۸). این پوشش خبری باعث اشاعه پیام و تبلیغات گروه‌های تروریستی در جامعه هدف خواهد شد.

این وضعیت نتیجه تناقض‌آمیزی را برای مخاطبان خود به‌همراه دارد چراکه برخلاف تصور تروریست‌ها، مخاطبان در مرحله بعد از اطلاع از خبر وقوع حملات انتحاری و تروریستی، با گذر از مرحله ترس، رویکرد تهاجمی نسبت به این اقدامات از خود بروز می‌دهند (رهنورد، ۱۳۸۵: ۹۰۵)؛ در نتیجه، احساس تنفر در مخاطب رسانه از این اقدامات گسترش خواهد یافت زیرا در فرایند پوشش خبری این‌گونه حملات، رسانه هرگز اقدام به ارائه دیدگاهی مثبت از باورها و اقدامات تروریستی و انتحاری به مخاطب خود نخواهد داشت. رسانه‌ها و مطبوعات در نشر اینگونه اخبار، نگرش یکسان و ثابتی ندارند و بر اساس منافع حکومتی و شخصی خود این وقایع را مورد توجه قرار می‌دهند.

درواقع باید گفت رسانه‌ها نه تنها در انتقال و نشر اخبار و اطلاعات در جامعه امروزی نقش

1. Yonah.
2. Kampf.
3. Beutel.



بسزایی دارند، بلکه با اثرگذاری و شکل دهی به افکار عمومی و ارائه واقعاتها به صورتها و اشکال خاص، نقش مهمی ایفا می کنند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۱۰). در این قالب، پس از وقوع هر حمله تروریستی و انتحاری در غرب، رسانه‌ها در راستای پوشش واقعه با بهره‌گیری از تصاویر وحشتناک و پوشش گسترده خبری - در قالب نشان دادن محل حادثه، مجروحان، کشته‌شدگان، پلیس و بیمارستان - اقدام به برنامه‌سازی هدفمند می کنند (کامف، ۲۰۱۴: ۵). به‌عنوان مثال پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده، رسانه‌ها با پوشش گسترده وقایع و پخش تصاویر آن، موجب شکل‌گیری موجی از ترس در مخاطبان خود نسبت به این حادثه شدند. این امر شکل‌گیری جوّی احساسی و روانی در میان مخاطبان آمریکایی شکل داد که در مراحل بعدی شرایط لازم برای هدایت افکار عمومی به سمت تقبیح عاملان حمله در مرحله اول و سپس بهره‌گیری از آن حادثه در جهت اهداف سیاسی فراهم آورد.

رسانه‌ها در یک کنش هدفمند، اقدام به مدیریت برداشت‌ها (افخمی و نیک ملکی، ۱۳۸۸: ۸۸) توسط مخاطب کرده و با ارائه تصویری خشن و غیرعقلانی، دین اسلام را منشأ تروریسم و منبع فکری عاملان حملات انتحاری معرفی می کنند. به‌عنوان مثال رسانه‌های غربی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، اسلام را در به‌عنوان مذهبی بنیادگرا، رادیکال و افراط‌گرا، به مخاطب معرفی کردند. این‌گونه نگاه و تصویرسازی با بهره‌گیری از جوّ روانی و احساسی ناشی از وقوع حملات انتحاری، مختص به رسانه‌های آمریکا نبوده است بلکه ما شاهد وجود همین فرایند در سایر رسانه‌های غربی از یک‌سو و از سوی دیگر رسانه‌های کشورهای موردتهاجم عاملان انتحاری در غرب بوده‌ایم. این تصویرسازی رسانه‌ای در قالب برنامه‌های تلویزیونی، تحلیل‌های رسانه‌ای، کاریکاتور، کتاب و ... نمود پیدا می کند.

بر اساس پژوهشی که در مورد پوشش رسانه‌ای در انگلستان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ صورت گرفته است مشخص شد که متناسب با وقوع حملات انتحاری ارائه اخبار و برنامه‌های رسانه‌ای با رویکرد اسلام‌هراسانه و با موضوعیت مسلمانان و اسلام به‌شدت افزایش پیدا کرده است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۱). درحالی‌که بر اساس سیاست‌های دولتی و رسانه‌های

آمریکا مظنونان تروریست مسلمان به شدت مورد توجه و بزرگنمایی هستند، به گونه‌ای که این تصور در میان مردم آمریکا شکل گرفته که خشونت مسلمان در این کشور امری رایج و گسترده است. تحقیقات نشان می‌دهد که از ۱۶۰ مسلمانانی که پس از حملات ۱۱ سپتامبر شناسایی شده‌اند تنها آنها معادل یک درصد هزاران نفری هستند که مرتکب اعمال خشونت‌آمیز در آمریکا شده‌اند (بیوتل، ۲۰۱۱: ۵).

اینگونه پوشش‌های رسانه‌ای جهت‌دار، تلاش دارد با تخریب چهره اسلام و ارائه مثال‌های مفهومی همچون خشونت‌طلبی مسلمانان، عاملیت عملیات انتحاری و غیره، ترس از اسلام و مسلمانان را در جامعه غربی گسترش دهد و ریشه‌دار نماید و به مخاطب خود القا کند که اسلام در حال پیشروی و گسترش است و به زودی جهان غرب را فرا خواهد گرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

گروه‌های سلفی - تکفیری با تعریف عملیات انتحاری در ذیل مفهوم جهاد ابتدایی، می‌کوشند با دادن صبغه دینی - مذهبی به آن، این عملیات و اهداف خود را توجیه کنند. این عملیات از لحاظ هدف، به دو گروه هدفمند و غیرهدفمند تقسیم می‌شوند. غالب عملیات این گروه‌ها با توجه به ناتوانایی اثرگذاری مطلوب، به صورت غیرهدفمند و به منظور اعلام حضور و مخالفت با نگرش حاکم بر جامعه صورت می‌پذیرد.

وقوع حملات انتحاری توسط این گروه‌ها از یک سو موجب بدبینی و هراس افراد و گروه‌های انسانی در غرب شده و از سوی دیگر دولت‌های غربی نسبت به اسلام شده است. موج جدید اسلام‌هراسی متأثر از این عمل در دوره حاضر شکل گرفته و به شدت تقویت شده است؛ به گونه‌ای که به اعتقاد برخی صاحب‌نظران حملات انتحاری ۱۱ سپتامبر در آمریکا، نقطه اوج شکل‌گیری و نمود جریان‌های اسلام‌هراسی در غرب بوده است.

وقوع حملات انتحاری بر اساس سه عامل جغرافیایی، شکل و روش حملات و رسانه و بزرگنمایی آن، بر پدیده اسلام‌هراسی تأثیرگذار بوده است. از یک سو وقوع حملات انتحاری در جغرافیای کشورهای غربی و حوزه تمدنی آنها، موجب شکل‌گیری احساس ناامنی در فرد و

جامعه می‌شود و از سوی دیگر شکل و میزان خشونت و قربانیان حمله، باعث به وجود آمدن حس تنفر در افراد جامعه می‌شود. این دو عامل افزون بر تأثیر مستقیم بر تقویت اسلام‌هراسی در وجه ایجابی آن، به صورت غیرمستقیم و واسطه‌ای، از طریق رسانه و کارکرد بزرگنمایی آن، بر پدیده اسلام‌هراسی اثر می‌گذارند. رسانه‌های جمعی غرب، بر اساس دیدگاه‌ها و گرایش‌های خبری خاص خود و دیدگاه سلبی نسبت به برخی مسائل، اقدام به نشر وقایع و اخبار در جامعه می‌کنند. همین امر باعث می‌شود تا حملات انتحاری به‌عنوان یک منبع مهم و خوراک رسانه‌ای و خبری مناسب، به صورت گسترده در جهت اسلام‌هراسی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. وقوع حملات انتحاری با اثرگذاری در وجه ایجابی اسلام‌هراسی در غرب، موجب شکل‌گیری و تقویت دیدگاه‌های منفی نسبت به مسلمانان و اسلام می‌شود. این وضعیت موجب گسست میان جامعه مسلمانان و جامعه غربی در بلندمدت خواهد شد؛ زیرا اثرگذاری این تصویر از اسلام، با حوادث تروریستی که به نام اسلام و توسط گروه‌های سلفی-تکفیری در غرب صورت می‌گیرد، تقویت خواهد شد.

### منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸). «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب». رسانه، شماره ۷۹، پاییز، ۴۴-۲۹.
- افتخاری راد، امیرهوشنگ و نادر فتورهچی (۱۳۸۹). *ترور و تفکر: تری ایگلتون - یورگن هابرماس - ژاک دریدا - نوام چامسکی - هانا آرنست*. تهران: نشر چشمه.
- افخمی، حسینعلی و محمد نیک ملکی (۱۳۸۸). *اسلام‌هراسی در اروپا، بررسی موردی فیلم «فتنه»*. علوم اجتماعی، رسانه، شماره ۷۹، پاییز، ۱۱۴-۸۷.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۷). «اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها». سیاست خارجی، شماره ۸۵، بهار، ۱۲۲-۱۰۵.
- اهیگن، جاسینتا و گرگ فرای (۱۳۹۰). *تصویرهای متعارض از سیاست جهان*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
- آلتاید، دیوید و مرتضی بارانی (۱۳۹۱). «تروریسم و رسانه جمعی». سیاست غرب، شماره ۱۱۴، سال دهم، ۳۶-۵.
- پورفرد، مسعود (۱۳۸۶). «جهان اسلام و رادیکالیزم افراطی». پایگاه حوزه، قم، سال ۸، شماره ۲۰۴، ۱۴-۲۴.
- جعفری، حسن و محمد بهرامی خوشکار (۱۳۹۳). «جریان‌شناسی گروه‌های تکفیری انحرافی در اسلام». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۳، ۶۰-۲۷.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و ابوالقاسم عارف‌نژاد (۱۳۹۳). «نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در منازعات گفتمانی عراق و چالش‌های امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳۵، تابستان، ۱۱۰-۷۵.
- درخشه، جلال و سید محمد مهدی حسینی فائق (۱۳۸۸). «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی رسانه بریتانیا». رسانه، شماره ۷۹، پاییز، ۲۸-۹.
- رهنورد، حمید (۱۳۸۵). «تروریسم، رسانه و افکار عمومی در آمریکا». مطالعات راهبردی،

شماره ۳۴، ۹۳۶-۹۰۱.

- سجادی‌پور، سید محمد کاظم (۱۳۸۹). بنیادهای استراتژیک «اسلام‌هراسی»، مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر، علل، روندها و راه‌حل‌ها. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

- سمیعی اصفهانی، علی‌رضا و حمدالله اکوانی و محسن شفیعی سیف‌آبادی (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمانی جهانی شدن و ظهور اسلام سیاسی سلفی - جهادی در خاورمیانه عربی». پژوهشهای سیاست اسلامی، شماره ۷، بهار و تابستان، ۱۱۴-۸۹.

- شرف‌الدین، سید حسین و سید مهدی گنجیانی (۱۳۹۲). «هالیوود و توطئه اسلام‌هراسی با شگرد نفوذ در ناخودآگاه». معرفت فرهنگی اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶، پاییز، ۱۲۵-۹۹.

- عارفی، محمد اکرم (۱۳۷۸). «مبانی مذهبی و قومی طالبان». مجله علوم سیاسی، شماره ۴، ۲۰۵-۱۱۲.

- عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸). «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)».

سیاست، شماره ۱۲، زمستان، ۱۲۸-۱۰۹.

- فیرحی، داود (۱۳۸۳). «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه». فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، سال دوم، شماره ۶.

- طارمی، محمد حسین (۱۳۸۷). «بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی». علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۴۱، بهار، ۱۱۰-۷۳.

- عدالت‌نژاد، سعید (۱۳۹۰). «سلفیان تکفیری یا الجهادیون». تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۳، صص ۱۶۵-۱۹۸.

- عامری گلستانی، حامد و نفیسه سادات قادری (۱۳۹۱). «نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۴، ۱۵۳-۱۲۹.

- غفاری هشجین، زاهد و قدسی علیزاده سیلاب (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)». مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۱، پاییز، ۱۱۲-۸۹.

- مرشدی‌زاد، علی و زاهد غفاری هشجین (۱۳۸۶). «اسلام‌هراسی در اروپا: ریشه‌ها و عوامل».

- دانش سیاسی، سال ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۴۰-۱۱۳.
- مرادی، عبدالله (۱۳۹۴). «مبانی جهادگرایی تکفیری در اهل سنت و نقد آن». پایگاه پژوهشی تخصصی وهابیت‌شناسی، قابل دسترس در:
- ملا محمدعلی، امیر (۱۳۸۴). ادله مشروعیت عملیات استشهادی از منظر فقه امامیه. مریان، شماره ۱۸، زمستان، ۹۵-۷۳.
- یزدانی، عنایت‌الله و هجرت ایزدی (۱۳۸۶). «تروریسم اسلامی: افسانه یا واقعیت، علوم سیاسی».
- علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، پاییز و زمستان، شماره ۴۰-۳۹.

- Berman, Eli and David D.Laitin (2005). "Hard Targets: Theory and Evidence on Suicide Attacks, NBER Working Paper, November, No:11740.

- Beutel, Alejandro (2011). Data on Post-9/11 Terrorism in the United States, Washington, D.C.: Muslim Public Affairs Council, from <http://www.mpac.org/assets/docs/publications/MPAC-Post-911-Terrorism-Data.pdf>.

- Fredman Sandra (1992). Discrimination and Human Rights, Oxford University Press.

- Gallup (2010), In U.S., Religious Prejudice Stronger Against Muslims, Analysis by the Gallup Center for Muslim Studies. from [http://www.gallup.com/poll/125312/Religious-Prejudice-Stronger-AgainstMuslims.aspx?g\\_source=CATEGORY\\_MUSLIM\\_WEST\\_RELATIONSHIPS&g\\_medium=topic&g\\_campaign=tiles](http://www.gallup.com/poll/125312/Religious-Prejudice-Stronger-AgainstMuslims.aspx?g_source=CATEGORY_MUSLIM_WEST_RELATIONSHIPS&g_medium=topic&g_campaign=tiles).

-Gallup (2013). Islamophobia: Understanding Anti-Muslim Sentiment in the West. From <http://www.gallup.com/poll/157082/islamophobia-understanding-anti-muslim-sentiment-west.aspx>.

-Kampf, Zohar (2014). News Media and Terrorism: Changing Relationship, Changing Definitions, Sociology Compass, January.

-Moghadam, Assaf (2011). The Globalization Of Martyrdom: Al Qaeda, Salafi Jihad, And The Diffusion Of Suicide Attack, Maryland: The Johns Hopkins University.





-Santifort-Jordan, Charlinda and Todd Sandler (2013). An Empirical Study of Suicide Terrorism: A Global Analysis, Southern Economic Journal.

-Terrence, Ruth (2014). "Al-Qaeda tries to carve out a war for itself in Syria", The Telegraph, 12 July, Retrieved 18 August 2012.

-Yonah, Alexander (1983), Terroism, the Media and the Politics, in Henry Han, Terrorism Political Violence and World Order, Landham, ml: University of America Press, pp:135-137.؟

